



تدوین مطالب آموزشی برای همه: سازش‌کاری همه‌جانبه

● نویسندگان: جان بل، راجر گاور^۱

● ترجمه و تصحیح: بابک دادوند^۲

اشاره

در سال‌های اخیر، مسئله‌ی کتاب‌های آموزشی زبان مورد بحث و بررسی‌های فراوانی قرار گرفته است. این بحث‌ها عمدتاً بین دو گروه اصلی است: ۱. گروهی که با اصل کتاب‌های آموزشی مخالف هستند و چنین کتاب‌هایی را ابزاری می‌دانند که مقاصد مالی گروهی خاص را تأمین می‌سازند، اما در عوض خلاقیت و نبوغ معلمان و دانش‌آموزان را نابود می‌کنند. ۲. گروه دیگری که عقیده دارند، چنین کتاب‌هایی که به صورت حرفه‌ای تهیه و تدوین شده و مراحل آزمایشی لازم را پشت سر نهاده‌اند، به معلمان امکان می‌دهند که وقت ارزشمند خود را، به جای تهیه‌ی مطالب مورد نیاز، در بهبود کیفیت آموزش به‌کار گیرند. البته کسانی که در حمایت از کتاب‌های آموزشی سخن می‌گویند، معمولاً همان‌هایی هستند که در این بین منافع دارند؛ مانند: نویسندگان، ناشران و توزیع‌کنندگان کتاب.

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۳۴

بعضی‌ها هم، گرچه به اهمیت کتاب‌های آموزشی اذعان دارند، اما بر این باورند که خیلی از کتاب‌های موجود از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند؛ نه فقط به خاطر این‌که بیشتر آن‌ها با عجله و فقط برای مقاصد تجاری تهیه شده‌اند، بلکه چون بسیاری از این کتاب‌ها بر پایه‌ی دانسته‌ها و یافته‌های علمی در باره‌ی آموزش و یادگیری زبان نیستند، بنابراین قادر نخواهند بود که پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان باشند.

خود ما به عنوان نویسندگان کتاب‌های آموزشی، نقش به‌سزایی را برای این‌گونه کتاب‌ها در کلاس درس قائل هستیم. در واقع، اگر غیر از این فکر می‌کردیم، نوشتن چنین کتاب‌هایی برای ما غیرممکن می‌شد. کتاب‌ها منابعی مفیدی را در اختیار معلمان می‌گذارند و در صورتی که به نحو انعطاف‌پذیری مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند نیازهای گوناگون کلاس‌های متفاوت را رفع کنند.

عاقلاً نه نیست که خیلی از پرسش‌هایی را که در زمینه کتاب‌های آموزشی مطرح شده‌اند و می‌شوند، نادیده بگیریم. برخی از مهم‌ترین سؤالات به شرح زیر می‌باشد:

۱. اگر یکی از اهداف آموزشی در کلاس درس این باشد که به خلاقیت اهمیت داده شود، چگونه می‌توانید اطمینان حاصل کنید که استفاده از این کتاب‌های آماده، باعث سلب مسئولیت از معلمان و دانش‌آموزان نمی‌شود؟

۲. با وجود این‌که هیچ کتابی نمی‌تواند در آن واحد پاسخ‌گوی تمامی نیازهای دانش‌آموزان متفاوت باشد، آیا می‌توانید با استفاده از مطالب مکمل، کتاب‌های موجود را با نیازهای خاص دانش‌آموزان خود تطبیق دهید؟

۳. اگر زبان مورد استفاده در کتاب‌های آموزشی نمونه‌ای از کاربردهای سنتی از زبان در چنین کتاب‌هایی باشد و ارتباط چندانی با استفاده‌ی واقعی از زبان نداشته باشد، آیا اطمینان دارید زبانی را که خود استفاده می‌کنید تا حد امکان بیانگر کاربردهای واقعی زبان است؟

۴. اگر ساختار و محتوای کتاب خسته‌کننده و تکراری باشد، چگونه می‌توانید آن را به گونه‌ای ارائه دهید که از چنین حالتی خارج شود؟

از نقطه نظر آموزشی، یکی از تهدیدات استفاده از کتاب‌هایی که در حجم وسیع و برای مخاطبانی از سراسر دنیا تهیه می‌شوند، این است که بسیاری از نکات فرهنگی ارائه شده برای خیلی از دانش‌آموزان قابل فهم نیستند. در حقیقت، چنین مطالبی فقط برای استفاده‌ی یک گروه خاص با فرهنگ مختص به خود نیستند و مخاطبانی از فرهنگ‌های مختلف را هدف قرار می‌دهند.

بحث تطبیق دادن مطالب

با توجه به گسترش کتاب‌ها و مطالب تهیه شده در ابعاد جهانی، واضح است که چنین کتاب‌هایی نیازها و توقعات دانش‌آموزان، معلمان و مدارس در خیلی از کشورها را برطرف نمی‌کنند. در واقع، خیلی از کارشناسان بر این باورند که کتاب‌های آموزشی موجود فقط ساختاری کلی ارائه می‌دهند و برای استفاده‌ی گروه‌های خاص، باید تغییراتی در آن‌ها اعمال شود. این راهکار، راهکاری منطقی است. علی‌رغم بسیاری واکنش‌ها نسبت به نقش محدودکننده‌ی کتاب‌های

خیلی از کارشناسان
بر این باورند
که کتاب‌های
آموزشی موجود
فقط ساختاری کلی
ارائه می‌دهند
و برای استفاده‌ی
گروه‌های خاص
باید تغییراتی
در آن‌ها اعمال شود

۱۶/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۳۵

آموزشی موجود، این کتاب‌ها را می‌توان به عنوان عاملی برای تحریک خلاقیت معلمان به کار گرفت. البته همه‌ی این مسائل در گرو رابطه‌ای است که معلم می‌تواند، و یا به او اجازه داده می‌شود، چنین منابعی داشته باشد. در واقع این کتاب‌ها ابزارهایی هستند که فقط با حضور معلم جان می‌گیرند.

یک مثال

چند سال قبل از ما خواسته شد تا کتابی برای دانش‌آموزان بالغ در سطح متوسط بنویسیم. فرض بر این بود که معلمان دارای مهارت‌های لازم برای ارائه‌ی فعالیت‌های خواندن و صحبت کردن و نیز شنیدن در کلاس و استفاده‌ی مبتکرانه از کتاب هستند. ساختارهای کلیدی که راجع به آن‌ها به توافق رسیدیم، عبارت بودند از:

۱. انعطاف‌پذیری: ما به دنبال آن دسته تمرین‌هایی بودیم که از لحاظ آموزشی مفید باشند. البته، این نکته نیز برای ما مهم بود که معلم در اجرای این تمرین‌ها احساس آزادی عمل کند و در صورت نیاز، برخی از فعالیت‌ها را براساس نیاز دانش‌آموزان جابه‌جا، تکمیل و یا حتی حذف نماید.

۲. از متن ساختگی تا نمونه‌های واقعی: با توجه به نیازهای دانش‌آموزان در سطح متوسط، قصد داشتیم به جای ارائه‌ی متون ساختگی، «نمونه‌هایی واقعی» از زبان موردنظر را تهیه کنیم.

۳. محتوای رغبت‌انگیز: می‌خواستیم که متون انتخاب شده، دانش‌آموزان را به صورت شخصی و با علاقه، به محتوای خود مشغول کنند. در عین حال انتظار داشتیم، متون مذکور به عنوان مرجعی برای یادگیری زبان مورد استفاده قرار گیرند. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که هدف بسیاری از کتاب‌ها جلب رضایت معلمان است؛ البته آن‌ها هم به ندرت مطالبی را برمی‌گزینند که برای دانش‌آموزانشان خسته‌کننده باشد. به طور کلی، احساس می‌کردیم که مهم‌ترین عامل در انتخاب یک متن، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای صحبت کردن یا نوشتن است. این امر ما را به‌طور اجتناب‌ناپذیری به سمت انتخاب بسیاری از موضوعات تکراری ولی جذاب قدیمی (از جمله، ارتباطات، پوشاک، پول و...) سوق داد. البته ما می‌باید جنبه‌های تازه‌ای از این موضوعات را هم مورد بررسی قرار می‌دادیم.

۴. زبان واقعی: می‌خواستیم که نمونه‌های متون شفاهی، تا حد ممکن واقعی و از مردم عادی (و نه بازیگران) گرفته شده باشند. به نظر می‌رسید که در این سطح، قراردادن دانش‌آموزان در معرض چنین نمونه‌هایی برای ایجاد انگیزه در آن‌ها، بسیار مؤثر است. در این صورت، شکل‌هایی از زبان که دانش‌آموزان در سطح مقدماتی با آن‌ها آشنا شده باشند، اکنون به صورت طبیعی‌تر، در ترکیب با نمونه‌های جدیدتر و در قالب مکالمه‌ها و فعالیت‌های واقعی به آن‌ها ارائه می‌شد.

مهم‌ترین عامل
در انتخاب یک متن
ایجاد انگیزه
در دانش‌آموزان
برای صحبت کردن
یا نوشتن است



۵. **راهکارهای تحلیلی:** راهکارهای متفاوتی را برای آموزش مباحث دستوری در نظر گرفتیم. اما در عین حال، توجه خاصی به این نکته داشتیم که دانش آموزان باید خود به طور تحلیلی برخی مسائل را درک کنند. زیرا گروه هدف ما، دانش آموزان بالغی بودند که می توانستند به طور تحلیلی و ریز، با بحث های دستور زبان برخورد کنند.

۶. **تاکید بر تکرار و دوره:** احساس کردیم که در این سطح باید به جای ارائه ی بیش از حد نکات ساختاری، توجه خود را بر تکرار و دوره متمرکز کنیم. فرض ما این بود که دانش آموزان با خیلی از نکات دستوری آشنایی دارند و آن ها را در سطوح پایین تر فرا گرفته اند.

۷. **تمرین های فردی:** هدف ما در این مقطع، ارائه ی تمرین های فراوان و در عین حال انفرادی بود.

۸. **مهارت های ترکیبی:** بر این اعتقاد بودیم که چهار مهارت زبانی (شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) باید با یکدیگر ادغام شوند. در حقیقت، کاربرد زبان مستلزم استفاده ی ترکیبی از مهارت های گوناگون است. حداقل امر این است که مهارت های شنیدن و سخن گفتن از یک طرف، و مهارت های خواندن و نوشتن از طرف دیگر، به هم وابسته اند. هم چنین، بر این باور بودیم که محتوای مطالب درسی باید کمی از سطح کنونی دانش آموزان فراتر رود تا بدین وسیله، شرایط لازم و کافی برای یادگیری مطالب جدید فراهم آید.

۹. **تعادل در روش ها:** قصد ما این بود که به یک نقطه ی تعادل در استفاده از روش های متفاوت دست یابیم. برای مثال، در استفاده از مهارت های زبانی ما بر آن بودیم که تعادلی بین مهارت های چهارگانه (شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) ایجاد کنیم. هم چنین، می خواستیم بین تمرین های هدایت شده و تمرین های آزاد، سطحی از تعادل به وجود آوریم.

۱۰. **احترام حرفه ای:** هدف ما ارائه ی کاری بود که در آن رضایت حرفه ای خود را احساس کنیم و در عین حال آن قدر از لحاظ آموزشی قابل اعتماد باشد که به آن افتخار کنیم.

فشارها

ناشران همواره به بازار فروش خود توجه دارند و از هزینه های جانبی پرهیز می کند. ما همیشه بودجه ی کافی برای چاپ رنگی تصاویر در اختیار نداشتیم. هم چنین، گاهی احساس می شد که ناشران توجه بیشتری به ظاهر کتاب دارند تا مفید بودن آن در طولانی مدت. فشارهای زیاد ناشران در زمینه های حجم کتاب، تعداد درس ها و تعداد صفحات هر درس، به همراه تعداد ساعات کار مورد نیاز و نکات گرامری گنجانده شده در کتاب، باعث شد که ما واقعیات های کار خود را بهتر دریابیم. البته این محدودیت ها، توسط آزادی ما در انتخاب مطالب و ساختارهای کلی کتاب جبران می شد.

با وجود این، نیازهای مؤسسات انتشاراتی محدودیت های ارزنده ای را بر کار ما اعمال می کرد. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: تناسب مطالب تهیه شده با اهداف مورد نظر، جذاب بودن موضوعات برای دانش آموزان، مفید و به روز بودن مطالب و سهولت استفاده از آن ها، ایجاد شرایط لازم برای پیشرفت دانش آموزان توسط مطالب تهیه شده، کیفیت چاپی مناسب، و پایین بودن قیمت نهایی. به علاوه، تمامی بخش های کتاب از جمله کتاب کار، نوارها و کتاب راهنمای معلم باید به راحتی قابل دسترسی باشند.

چهار مهارت زبانی
(شنیدن، سخن گفتن،
خواندن و نوشتن)
باید با یکدیگر
ادغام شوند

۱۹۹۱/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۳۷



ما به این نتیجه رسیدیم که معلمان بیشتر خواستار استفاده از آن دسته کتاب‌هایی هستند که اصول آموزشی آن‌ها برایشان قابل قبول باشند. چنین کتاب‌هایی در وحله‌ی اول باید جدید و در عین حال آشنا به نظر آیند. ضمناً، معلمان بسیار پرمشغله‌اند و به دنبال کتاب‌هایی هستند که به آمادگی قبلی فراوان نیاز نداشته باشند. در عین حال، حاوی مطالب مفید و جذاب باشند و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. روش تدریس شفاف و خط‌مشی انعطاف‌پذیر، از دیگر عواملی هستند که معلمان در انتخاب کتاب‌های آموزشی در نظر می‌گیرند. دانش‌آموزان نیز خواستار کتاب‌هایی هستند که برای آن‌ها جذاب و مناسب باشد و به یادگیری آن‌ها کمک کنند. زبان استفاده شده در متون باید برای آن‌ها قابل فهم و در عین حال تازه باشد. هم‌چنین، وجود یک سلسله مطالب تکمیلی هم‌چون کتاب کار، ضروری به نظر می‌رسید.

نتیجه‌گیری

با وجود این که گزارش فوق گزارشی شخصی است، می‌توان آن را نمایانگر مشکلاتی دانست که بیشتر گروه‌های تألیف کتاب با آن‌ها روبه‌رو هستند. بحث تطبیق دادن محتوای متون کتاب‌های آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان متفاوت براساس محدودیت‌های موجود، و دست‌یابی به یک نقطه‌ی تفاهم بین تمامی گروه‌های ذی‌نفع که در این مقاله به آن اشاره شد، در واقع نوعی هنر است و در صورتی که همه‌ی طرف‌ها کمی از مواضع خود کوتاه بیایند، به راحتی ممکن می‌شود. ما می‌دانیم که از بسیاری از آمال و خواسته‌های خود کوتاه آمدیم و کسانی نیز که از این کتاب استفاده خواهند کرد، مجبور خواهند بود که چنین کنند. از طرف دیگر هم، خوش شانس بودیم که ناشرانمان به عقاید و تصمیمات ما درباره‌ی انتخاب محتوا و روش تدریس احترام می‌گذاشتند.

اگر قرار باشد که در پایان نتیجه‌گیری کنیم، بهتر است بگوییم که تطبیق دادن محتوای متون کتاب‌های آموزشی با توجه به محدودیت‌های موجود، اجتناب‌ناپذیر، ولی سودمند است. حداقل برای ما چنین بود. بدون چنین تغییراتی، مطالب تولیدی ما بدون شکل از کیفیت مطلوبی برخوردار نمی‌شد.

دانش‌آموزان نیز
خواستار
کتاب‌هایی هستند
که به یادگیری آن‌ها
کمک کنند

۱۶/۱۷ ۹۱۹۳

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

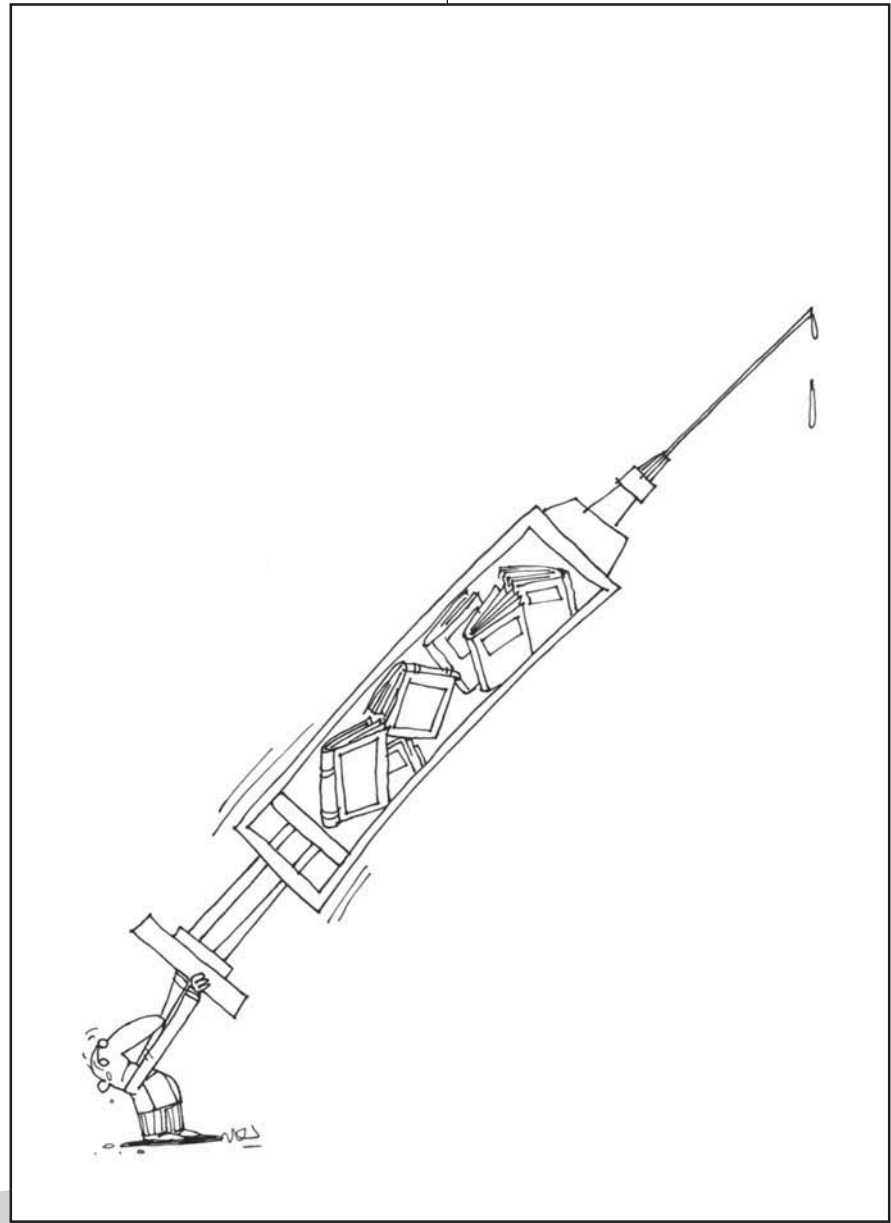
۳۸

◀ زبیرنویس

1. Jan Bell, Roger Gower
2. babak.dadvand@gmail.com

◀ منبع

Materials Development in Language Teaching. Edited by Brian Tomlinson, Cambridge University Press, 2002, pp. 116-129.



۱۶/۱۷ ۹۰۱۹۲
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۳۹